

# فهرست

## سر سخن

آسیب‌شناسی مقاله‌نویسی، چاپ، تجدید چاپ، نشر و توزیع کتاب (۲۵)..... ۳-۴

## جستار

حکم آستانه شیخ ابواسحاق کازرونی (۸۲۶ق) / عمادالدین شیخ‌الحکامی ..... ۵-۹

کریم خراسان کیست؟ / سید علی میرافضلی ..... ۱۰-۱۱

زندگی‌نامه منظوم عبدالقادر مراغی به قلم خودش؛ معرفی یک سند، همراه با یادداشتی مقدماتی /

علی فردوسی ..... ۱۲-۱۷

گزارش برگدال از کشف و استرداد نسخه‌های خطی مسروقه کتابخانه سلطنتی / محمدصادق

میرزا ابوالقاسمی ..... ۱۸-۲۲

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده کاغذ ابری / علی صفری آققلعه ..... ۲۳-۳۶

حذف حرف عطف و یکی از ساخت‌های نامأنوس دستوری در شعر کهن / مسعود راستی‌پور ..... ۳۷-۴۱

شاهنامه فردوسی در بافت عصر غزنوی / آ.سی. اس. بیگاک؛ ترجمه: حمیدرضا حکیمی ..... ۴۲-۵۶

فارسی یهودی کهن در میانه فارسی میانه و فارسی دری کهن؛ بازآزمایی یک فرضیه مشهور / لودویگ پاول؛

ترجمه: ستایش دشتی ..... ۵۷-۶۳

کاتب نسبت خرقه شاه‌نعمت‌الله ولی در المشیخه‌خاندان حثوثی یزدی / محمدرضا ابوبی مهریزی ..... ۶۴-۶۸

برگی از تاریخ (۲)؛ معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) / محمدجواد جدی ..... ۶۹-۷۱

پرده ماده یا پرده یاده؟ / یاسر دالویند ..... ۷۲-۷۳

ثبت کتیبه‌های حکومتی فرهادمیرزا معتمدالدوله در ولایت کردستان / جواد ددهجانی ..... ۷۴-۷۹

تیتی و میتی / ایمان منسوب بصری، حسن زیاری ..... ۸۰

چهارپاره / علی صفری آققلعه ..... ۸۱-۹۴

طاق گزا؛ جای‌نامی در خسرو و شیرین نظامی / علی کریم‌زاده ..... ۹۵-۹۶

## نقد و بررسی

بررسی انتقادی تصحیح کفایة الطّب حبیبش تغلیسی / عرفان‌جوینده بهروز ..... ۹۷-۱۱۷

چند انتقاد واجب از فصل دوم کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ..... ۱۱۸-۱۲۲

باز چاپ پرتوستان یا مصداقی برای خورشید به گل اندودن / محمدابراهیم ایرج‌پور ..... ۱۲۳-۱۳۳

نگاهی دوباره به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زیده‌الافکار (بخش شیراز و نواحی آن) / مرتضی موسوی ..... ۱۳۴-۱۴۱

ملاحظات در فهرس جدید کتابخانه ملی ایران / مصطفی درابنی ..... ۱۴۲-۱۵۳

توضیحاتی درباره دیوان منوچهری به تصحیح سعید شیری و بازنگری در تصحیح برخی ابیات

منوچهری / راهبه آبدان ..... ۱۵۴-۱۶۶

چاپی نه در خور متن از متنی نه در خور چاپ! / علی شاپوران ..... ۱۶۷-۱۷۴

از کشفیات در اشعار کسایی تا سرقات از یافته‌های ریاحی! / محسن شریفی ضحی ..... ۱۷۵-۱۸۰

تکمله‌ای بر مقاله «کهن‌ترین مکتوب تاریخ‌دار فارسی» / سلمان ساکت ..... ۱۸۱-۱۸۲

تصحیح و بازخوانی عباراتی از جواهرنامه نظامی / اکبر حیدریان ..... ۱۸۳-۱۸۶

فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه و مرکز اطلاعات آکادمی علوم مجارستان / مزده محمدی ..... ۱۸۷-۱۹۰

## پژوهش‌هایی در باب تحقیق

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۳) / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ..... ۱۹۱-۱۹۸

## ایران در متون و منابع عثمانی (۱۷)

زندگی و آثار خورشیدپاشا / نصرالله صالحی ..... ۱۹۹-۲۰۱

## درباره نوشته‌های شمشین

درباره «ولادت خواجه به روایت خواجه» / لیلی وهرام ..... ۲۰۲-۲۰۷



۷۸ - ۷۹

فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی دوره سوم، سال دوم، شماره یکم و دوم بهار - تابستان ۱۳۹۶ [انتشار: زمستان ۱۳۹۷]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ

نقره‌آبی

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

gozash@mirmsmaktoob.ir

بها: ۱۵۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: انجامه دستنویسی از ترجیع‌بند جامی (نسخه W651 موزه هنری والترز، نستعلیق ممتاز محمدزمان التبریزی، مورخ ۹۹۸ هجری)

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

پیشکش به روانشاد دکتر محسن جعفری مذهب حقیقی

## کاتب نسبت خرقه شاه نعمت الله ولی در المشیخه خاندان حمّوی یزدی

محمد رضا ابوبنی مهریزی

استادیار دانشگاه بین المللی اهل بیت  
abuimehrizi@yahoo.com

۳۹۵-۳۹۶؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۳۴/۴) و سرانجام به سال ۹۲۰ق، در جریان جنگ چالدران، به دست قوای عثمانی کشته شد (جهان‌گشای خاقان: ۵۰۰).

از این رو اهمیت امیر عبدالباقی یزدی علاوه بر آنکه وی بعد از وفات پدرش، شاه نعیم‌الدین نعمت‌الله ثانی در حدود سال ۹۰۰ هجری، به صورت مشهورترین شخصیت طریقت برجسته نعمت‌اللهی ظاهر گشت، در این نکته نیز هست که روزگار او در اوایل سده دهم هجری آغازگر تعامل تاریخی نعمت‌اللهیان با صفویان می‌باشد؛ تعاملی که هر چند در روزگار فرزندش شاه نعمت‌الله یزدی (د. ۹۷۱ق) و نوادگانش نیز کم‌وبیش تداوم یافت، لیکن هرگز به سطح دوره امیر عبدالباقی نرسید.

امیر عبدالباقی علاوه بر آنکه به لحاظ برخورداری از مناصب صدارت و وکالت از شخصیت‌های برجسته سیاسی در عهد شاه اسماعیل صفوی شناخته شده است، با توجه به میراث صوفیانه، علمی و ادبی دودمان و نیاکان نعمت‌اللهی خویش، نزد تذکره‌نگاران عصر صفوی، به عنوان یک شاعر و خوشنویس برجسته نیز شناخته شده است؛ چنانکه سام میرزا صفوی در صحیفه دوم تحفه سامی که به ذکر سادات و علما اختصاص دارد، نخست به شرح احوال امیر عبدالباقی پرداخته است. به باور سام میرزا، امیر عبدالباقی از غایت شهرت احتیاج به تعریف نداشته است و او ضمن درج مناصب عالی وی نزد شاه اسماعیل، از دیوان غزل او یاد کرده است (صفوی، بی‌تا: ۳۱-۳۲). ظاهراً به واسطه همین تقرب و تبخّر امیر عبدالباقی در سیاست و فنون علم و ادب بوده است که او به عنوان همنشین شاه اسماعیل به لعب شطرنج با وی می‌پرداخت (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۶۲).

امیر عبدالباقی در خوشنویسی نیز ید طولایی داشته است و گویا از خوشنویسان به نام روزگار خویش بوده است؛ چنانکه قاضی احمد قمی که خود برخی از آثار خطی امیر عبدالباقی را ملاحظه کرده، در این باره اظهار می‌نماید:

نوّاب امیر عبدالباقی از دارالعباده یزد است و از اولاد عازف ربانی شاه نعمت‌الله ولی است. سال‌ها منصب صدارت و وکالت پادشاه جلیل شاه اسماعیل نموده، تعلیق را بسیار خوش می‌نوشته، به نزاکت و پختگی خط او کم ملاحظه شده. احکام و اسناد مشایخ و موالی دارالعباده یزد به خط شریف آن‌حضرت مشاهده شد. (قمی، بی‌تا: ۴۶-۴۷)

اثر ارزشمند المشیخه یا کنز السالکین خاندان حمّوی یزدی از مخطوطات کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۱۴۳ در سال ۱۳۹۵ شمسی به اهتمام و مقدمه سید محمد طباطبایی بهبهانی متخلّص به منصور با همکاری مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب و دانشگاه تهران به شیوه نسخه‌برگردان به چاپ رسید. در خلال مکتوبات و خطوط برجای مانده در مشیخه مزبور، نسبت خرقه شاه نعمت‌الله ولی (د. ۸۳۴ق) به خط رقاع ممتاز دیده می‌شود که کاتب زیر آن از خود نام نبرده است و محقق محترم کتاب نیز در باب هویت وی اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. نگارنده این سطور با توجه به برخی شواهد و قرائن معتقد است که کاتب مزبور امیر نظام‌الدین عبدالباقی یزدی (مقتول ۹۲۰ق) فرزند شاه نعیم‌الدین نعمت‌الله ثانی (د. حدود ۹۰۰ق) است. وی نخستین کس از میان نوادگان شاه نعمت‌الله ولی است که منابع تاریخی از او و روابط وی با دولت صفوی و بانی آن دولت، شاه اسماعیل، یاد کرده‌اند. برخی از منابع از او تحت عنوان امیر ظهیرالدین عبدالباقی نیز نام برده‌اند (کرمانی، ۱۳۶۱: ۱۸؛ امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۳۶؛ سیفی قزوینی، ۱۳۶۳: ۴۱۱؛ الحسینی، ۱۳۷۹: ۵۷). ظاهراً نخستین بار عبدالرزاق کرمانی در مقدمه رساله خویش در احوال شاه نعمت‌الله ولی به سال ۹۱۱ق از وی یاد می‌کند (کرمانی، ۱۳۶۱: ۱۸). وی مورد توجه شاه اسماعیل قرار گرفت و به سال ۹۱۷ق به منصب صدارت (سیفی قزوینی، ۱۳۶۳: ۴۱۱) و در ۹۱۸ق به مقام وکالت نفس نفیس همایون رسید (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳).

مهارت و استادی امیر عبدالباقی در خط تعلیق، صاحب نسبت خرقه شاه نعمت‌الله ولی، کسی جز صاحب یادگاری که بعد از مطلب مزبور برای سالک‌الدین حمّوی نوشته شده، یعنی امیر عبدالباقی، نمی‌تواند باشد. این البته امر متعارفی است که کاتبی که دو یا چند مطلب را پیاپی در مضامین مختلف برای یک مهدی‌الیه در یک مشیخه یا مجموعه خطی نگاشته، از ذکر نام خود برای همه آنها پرهیز کند و تنها به ذکر آن در آخرین نگاشته خود بسنده کند. و گاه، با توجه به خصلت مضامین مختلف نگاشته‌های خود، آنها را با خطوط یا رسم‌الخط‌های گوناگون بنگارد. در اینجا نیز استفاده از دو خط و چه بسا دو قلم متفاوت امری توجیه‌پذیر است: یکی با خطی خوش و ممتاز به‌منظور نگارش نسبت خرقه نیای بزرگش که از منزلت والای مذهبی و معنوی برخوردار بوده؛ دیگری با خط تحریری عادی، به‌قصد نگاشتن یادگاری و با توجه به روابط دوستانه و صمیمی با مهدی‌الیه.

سید محمد طباطبائی بهبهانی زیر شرح یادگاری سید عبدالباقی حسینی در فهرست مندرجات کتاب، وی را در زمره صوفیه نعمت‌اللهی ذکر کرده که گویا ساکن ماهان بوده است. او در ادامه با استناد به کتاب رجال حبیب‌السیر می‌نویسد که گویا این شخص همان امیر نظام‌الدین عبدالباقی صدر شاه باشد (حمّوی یزدی، ۱۳۹۵: مقدمه، ۳۸)، در حالی که ذکر عبارت «کتبه الشاکر لنعمة الله الولی عبدالباقی الحسینی»، جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که وی همان امیر عبدالباقی است که شش-هفت سال بعد از این، به‌صدارت و وکالت شاه اسماعیل رسیده است. در باب محل اقامت امیر عبدالباقی نیز باید گفت، علی‌رغم آنکه خانقاه و مزار شاه نعمت‌الله ولی در ماهان کرمان قرار داشته و قصبه مزبور از کانون‌های اصلی طریقت و دودمان نعمت‌اللهی بوده است، چنانکه در مشیخه خاندان حمّوی نیز محل نگارش دست‌کم دو یادگاری از وابستگان و درویشان نعمت‌اللهی برای سالک‌الدین محمد حمّوی به سال ۹۲۶ در ماهان و آستانه شاه نعمت‌الله ولی در آن قصبه بوده است (همان: ۷-۹)، اما به‌گواهی منابع، امیر عبدالباقی در یزد اقامت داشته است، چنانکه پدر وی شاه نعیم‌الدین نعمت‌الله ثانی در یزد توطن داشت (نهایندی، ۱۹۲۴-۱۹۳۱: ۳۵/۱) و به سال ۸۷۵ محمل حج را که به‌امر اوزون حسن آق‌قویونلو در یزد ترتیب

با وجود توصیف مزبور، تاکنون اطلاعی از آثار خوشنویسی امیر عبدالباقی در دست نبود. حال به نظر می‌رسد نمونه‌ای از آثار خوشنویسی او در مشیخه خاندان حمّوی یزدی دیده می‌شود که مضمون آن نسبت خرقه شاه نعمت‌الله ولی است. مطلب مزبور بلافاصله پیش از یادگاری امیر عبدالباقی برای سالک‌الدین محمد حمّوی اول به سال ۹۱۱ هجری نگاشته شده است. یادگاری که امیر عبدالباقی به تاریخ ذی‌قعدة الحرام سال مذکور برای سالک‌الدین محمد حمّوی یزدی نگاشته به عبارت زیر است:

بسم الله وبالله والاسماء الحسنی کلّها لله

بالله الصمد اعتمد و هو قصدی فی جمیع المقاصد فله الحمد علی سبوغ نعمه الباطنة و الظاهرة و شیوع کرمه فی الاولی و الآخرة سیما توفیق الاهداء بهدایة الدلیل الی طریق الحقّ محمد المبعوث الی قاطبة الخلق المبعوث بحسن الخلق و الخلق صلی الله علیه و آله و عترته المنتجبین بخلقه و سیرته. و بعد فلما فزت مراراً کثیرة باستماع ذکرک جناب المولی الاورع الباقي الفایز من الکمالات بالحظ الاوفی السالک فی جادة الافادة والناسک فی سجادة الزهادة التقی النقی الزکی السلیم الفکور الوقور الاواء الحلیم لازل من الله مؤیداً سالکاً للدين محمّداً و اسنا نسب بآثاره و انسب نار النور من طور اطواره احببت ان اکتب تذکرة لثلاث تنسانی فی الخلوای بصلاح الدعوات. اللهم وفقنا لسلوک طریق العرفان واجعلنا بفضلک رفیق فریق الایقان فانک ولی التوفیق باجابة الداعی حقیق.

کتبه الشاکر لنعمة الله الولی عبدالباقی الحسینی

ختم الله له بالحسینی

فی ذی‌قعدة الحرام سنة احدى عشر

وتسعمائة

تم

هرچند نسبت خرقه شاه نعمت‌الله در صفحه پیشین یادگاری امیر عبدالباقی و با خطی متفاوت نوشته شده و زیر آن کاتب نام خویش را قید نکرده و از همین رو نویسنده مقدمه چاپ عکسی، سید محمد طباطبائی بهبهانی، از صاحب آن اظهار بی‌اطلاعی کرده است، لیکن به نظر می‌رسد با توجه به آنکه این دو مطلب، هرچند با دو رسم‌الخط متفاوت، بلافاصله قید شده، و نیز با در نظر گرفتن گزارش قاضی احمد قمی در

۱. حمّوی یزدی، ۱۳۹۵: ۲۲. به نظر سید محمد طباطبائی بهبهانی (همان: مقدمه، ۳۸)، تاریخ زیر یادگاری افزوده به خط سالک‌الدین محمد حمّوی است.

داده بودند در قم به اوزون حسن رساند تا به مکه گسیل شود (طهرانی، ۱۳۵۶: ۵۵۳). در مورد امیر عبدالباقی نیز هرچند از تاریخ ولادت وی اطلاعی در دست نیست، اما محل ولادتش را امین احمد رازی در یزد نوشته است (رازی، ۱۳۷۸: ۱/۱۴۸). عبدی بیگ شیرازی نیز در باب او می‌نویسد: «سید عبدالباقی نعمه‌اللّٰهی که در دارالعباده یزد بر سریر هدایت متمکن بود» (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۵۱). صدرالدین ابراهیم امینی، صاحب فتوحات شاهی، که پیشگام تاریخ‌نگاری برای شاه اسماعیل، بانی دولت صفوی، است و خود از نزدیک با امیر عبدالباقی ارتباط و مراوده داشته و حتی برخی اخبار شاه اسماعیل را برای ضبط در فتوحات شاهی از او استماع نموده است (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۶۲)، در خلال ذکر اخبار دفع شورش محمد کرّه در یزد به سال ۹۱۰، یعنی یک سال پیش از یادگاری نوشتن امیر عبدالباقی برای سالک‌الدین محمد حمویّه اول در مشیخه خاندان وی، از پیوستن امیر عبدالباقی از درون شهر یزد به اردوی شاه اسماعیل، که در صدد دفع محمد کرّه بودند، سخن می‌راند (همان: ۲۳۶-۲۳۷).

به نظر می‌رسد که نخستین تماس امیر عبدالباقی با شاه اسماعیل مربوط به حوادث بعد از سال ۹۰۸ در جریان فتح شیراز و یزد توسط آن پادشاه و پیش از تلاش مجدد وی برای فتح یزد است، که بر اثر شورش محمد کرّه از فرمان او خارج شده بود. چنانکه امینی هروی در ذیل اخبار دفع شورش محمد کرّه در یزد به سال ۹۱۰ هجری و پیوستن امیر عبدالباقی از شهر یزد به اردوی شاه اسماعیل می‌نگارد:

قبل از این نیز پارسال عرضه داشت و رسایل و اتحاف هدایا و وسایل لوازم انعام بخشش را به مراتب سایل گشته بود (همان: ۲۳۷).

گزارش‌های امینی هروی از نخستین مناسبات امیر عبدالباقی با شاه اسماعیل در حدود سال‌های ۹۰۹ و ۹۱۰ هجری، نزدیک به زمان تاریخ یادگاری وی در مشیخه خاندان حموی یزدی که مربوط به پیش از وقایع سال ۹۱۶ و انتصاب وی به مناصب صدارت و وکالت نفس نفیس همایون آن پادشاه است، حائز اهمیت می‌باشد؛ زیرا دیگر منابع صفوی چون حبیب‌السیر خواند میر، جهانگشای خاقان، لب‌التواریخ میر یحیی سیفی قزوینی، تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب از محمود بن

خواند میر، تکمله‌الاجبار عبدی بیگ شیرازی و تاریخ ایلچی نظام‌شاه خورشاه بن قباد الحسینی از آن مناسبات اولیه امیر مزبور با شاه صفوی در یزد یاد می‌نماید. تواریخ حماسی شاه اسماعیل، که اغلب در دوره متأخر صفوی در قالب آثاری چون عالم‌آرای صفوی و عالم‌آرای شاه اسماعیل به نقل سرگذشت حماسی شاه اسماعیل پرداخته‌اند، در خلال حوادث سال‌های نخست سلطنت شاه اسماعیل و اقدامات آن پادشاه در دفع طغیان محمد کرّه یا کرّهی در یزد و تعرضات ازبکان به آن شهر، به شرح ماجراهایی از استمداد شاه نعمت‌الله یزدی از شاه اسماعیل و تعامل با آن پادشاه در رویارویی با مسائل مزبور می‌پردازند (عالم‌آرای شاه اسماعیل: ۱۳۲-۱۳۹، ۳۲۷-۳۳۳؛ عالم‌آرای صفوی: ۹۹-۱۰۳، ۲۷۱-۲۷۸). به نظر می‌رسد مراد از شاه نعمت‌الله یزدی مذکور در تواریخ داستانی و حماسی شاه اسماعیل، در اصل امیر عبدالباقی بوده است و قصه خوانان عصر صفوی که مسائل تاریخی را در قالب‌های داستانی و عوام‌پسندانه در می‌آوردند، نام شاه نعمت‌الله را که هم فرزند مشهور امیر عبدالباقی بود که در روزگار سلطنت شاه طهماسب از طریق ازدواج با خانش بیگم، دختر شاه اسماعیل، مفتخر به دامادی خاندان صفوی گردید و هم بنا بر هم‌نامی با نیای بزرگش، اشهر دودمان نعمت‌اللّٰهی بود، به جای امیر عبدالباقی نهاده‌اند.

بنابراین به باور نگارنده این سطور، شخص دخیل در حکایات مزبور، موسوم به شاه نعمت‌الله، در واقع امیر عبدالباقی یزدی بوده است<sup>۱</sup>، زیرا از لحاظ تاریخی، زمان وقوع حوادث با دوره حیات امیر عبدالباقی کاملاً تناسب دارد. ضمن آنکه اصل وقایعی که حکایات مذکور در قالب آنها روی می‌دهد، یعنی شورش محمد کرّه در یزد و هجوم ازبکان به کرمان و یزد، را منابع رسمی عصر صفوی بدون ذکری از نام امیر عبدالباقی تأیید می‌کنند. منابع رسمی متعدّد، تعرضات ازبکان را به کرمان که زمینه‌ساز لشکرکشی شاه اسماعیل به خراسان و فتح آن در

۱. نگارنده پیشتر در کتاب سادات نعمت‌اللّٰهی یزد در عصر صفوی (ابوئی مهریزی، ۱۳۸۳: ۱۰۴-۱۱۰) به تفصیل در باب تطبیق امیر عبدالباقی با شاه نعمت‌الله مذکور در تواریخ حماسی شاه اسماعیل سخن گفته است. تدوین و چاپ اثر مزبور مربوط به زمانی بود که هنوز کتاب فتوحات شاهی صدرالدین ابراهیم امینی هروی، که در بردارنده گزارش‌هایی ارزشمند درباره روابط میان امیر عبدالباقی با شاه اسماعیل است، به چاپ نرسیده بود. حال با توجه به این مسأله، نگارنده بر دیدگاه خود مبنی بر اینکه شاه نعمت‌الله نامبرده در تواریخ حماسی شاه اسماعیل در واقع همان امیر عبدالباقی معاصر شاه اسماعیل است، مصمم‌تر گردیده است.

ابوالفضل بغدادی و او از مظهر جمال ذوالجلالی شیخ احمد الغزالی و او از حقیق محقق و صدیق مصدق شیخ ابوبکر نشاج و او از شیخ المشایخ و شاکر عالم و ذاکر دایم شیخ ابوالقاسم و او از رهنمای سالکان و مقتدای اصلان شیخ ابوعثمان المغربي و او از حافظ مکتب خانة ﴿و علمناه من لدنا﴾ (کھف، ۶۵) شیخ ابو عبدالله الکاتب<sup>۶</sup> و او از سید طایفه صوفیة مصر معنی دمشق دلشادی<sup>۷</sup> شیخ جنید البغدادی و او از سرخیل عارفان و مربی عاشقان شیخ سری سقظی و او از عارف معرفت رموز کنوز کلّی و جزوی، معروف کرخی و او از وجود حضرت کبریایی شیخ داود طایی و او از حالت مطلوب و محبّ محبوب حبیب عجمی و او از رهنمای آستان ملکوت و شاهباز فضای جبروت شیخ حسن بصری رحمة الله علیهم اجمعین و او از امام الائمه محیی السنة والجماعة سلطان الاولیاء و برهان الاصفیاء مظهر العجایب و مظهر الغرایب امیرالمؤمنین الامام الحقّ ابی الحسن علی ابن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه و او از نقطه دایرة نبوت ظهور احدیت و مرکز اظهار محیط واحدیت اول به معنی آخر به صورت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و الحمد لله و المنة و حرره...

عبدالرزاق کرمانی، رساله در احوال شاه نعمت الله ولی را به فرمایش امیر عبدالباقی در شوال ۹۱۱ هجری به نگارش در آورده است (کرمانی، ۱۳۶۱: ۱۶-۱۹). یادگاری امیر عبدالباقی و نسب نامه خرقه شاه ولی برای سالک الدین حموی، که مربوط به ذی قعدة همان سال بوده است، تنها یک ماه بعد از تذکره عبدالرزاق کرمانی نوشته شده است. اهمیت این موضوع در آن است که عبدالرزاق کرمانی در اصل دویم رساله خویش از سلسله خرقه شاه نعمت الله ولی سخن گفته است (همان: ۵۴-۶۳). یکی از این دو به نظم فارسی با استناد به دیوان شاه نعمت الله و دیگری به نثر عربی از شرح اربعین حاجی نظام الدین احمد نقل شده است. نسب نامه عربی برخی اختلافات جزئی با نسب نامه فارسی دارد. ترتیب اسامی سلسله مشایخ در نوشته امیر عبدالباقی بیشتر به سروده شاه ولی شباهت دارد. از این رو به نظر می رسد که امیر عبدالباقی نسب نامه خرقه نیای بزرگش را براساس سروده

۴. اصل: شیخ ابوسعید الاندلسی. از منابع پیشین نقل شد.

۵. اصل: لندنا.

۶. کلیات اشعار شاه نعمت الله ولی (ولی، ۱۳۷۴: ۷۲۴) و تذکره عبدالرزاق کرمانی (کرمانی، ۱۳۶۱: ۵۴): ابوعلی کاتب. بعد از او بوعلی رودباری است که در اینجا ذکر نشده است.

۷. اصل: دمشق الشادی؛ از منابع پیشین نقل شد.

سال ۹۱۶ گردید روایت کرده اند، ولی اشاره ای به کشیده شدن دامنه این تعرضات به یزد در این گزارش ها دیده نمی شود. با این همه، محمد مفید مستوفی باقی، در خلال شرح احوال یکی از بزرگان یزد، مشهور به سید گل سرخ که معاصر شاه اسماعیل بوده، به ذکر ماجرای از وی می پردازد که در حین هجوم از بکان به یزد رخ داده است (مستوفی باقی، ۱۳۸۵: ۳/۵۳۴).

شاید علاوه بر منزلت والای مذهبی و اجتماعی امیر عبدالباقی، نقش او در تعاملات با شاه اسماعیل در یزد نیز در ترغیب سالک الدین محمد حموی اول به درخواست از وی جهت نوشتن یادگاری و نسبت خرقه شاه نعمت الله ولی در مشیخة خاندان حموی مؤثر بوده باشد. همانگونه که گذشت، نخستین مناسبات دوستانه این نواده عالی مقام شاه نعمت الله ولی با بانی دولت صفوی، که به مثابه مقدمه ای جهت ارتقای وی به مناسب ممتاز دستگاه شاه صفوی در سال های بعد بوده است، پیش از تاریخ یادگاری و نسب نامه مزبور به وقوع پیوسته است. به هر تقدیر، نسبت خرقه شاه نعمت الله ولی به کتابت امیر عبدالباقی در مشیخة خاندان حموی یزدی به قرار زیر می باشد (حموی یزدی، ۱۳۹۵: ۲۱):

نسبت خرقه ای که من دارم

بشنو از من که تا شنوی آگاه

اینچنین است که می دهم شرحش

تا به جدم رسد رسول الله

نسبت خرقه این فقیر نعمه الله بن عبدالله بن محمد بن عبدالله الحسینی از حضرت بارفعت قطب المحققین قدوة السالکین حافظ بلاد الله ناصر عبدالله شیخ عبدالله الیافی رحمة الله علیه و او از سالک مسالک مکاشفت و عالم عالم مشاهدات<sup>۱</sup> شیخ صالح البربری<sup>۲</sup> رحمة الله علیه و او از مرشد کامل مکمل واصل شیخ کمال الکوفی و او از شهسوار میدان ریاضت و تاج فرق اهل ولایت، شیخ ابوالفتوح الصعیدی<sup>۳</sup> و او از معرّد جهان تحریر و مفرد عالم تقریر شیخ ابی مدین المغربي و او از ساکن سراپرده انسی و معتکف خلوتخانه قدسی شیخ ابوسعود الاندلسی<sup>۴</sup> و او از مقدم اصحاب مقامات و سرور ارباب حالات شیخ ابوالبرکات و او از مجاور کعبه حقیقت و مفتی خانقاه طریقت و مدرّس مدرسه شریعت شیخ

۱. ظ: معالم مشاهدت.

۲. اصل: البرموی؛ از کلیات اشعار شاه نعمت الله ولی (ولی، ۱۳۷۴: ۷۲۴) و تذکره عبدالرزاق کرمانی (کرمانی، ۱۳۶۱: ۵۴) نقل شد.

۳. اصل: شیخ ابوالفتوح الصعیدی؛ از منابع پیشین نقل شد.

خود او به نثر فارسی در آورده و نوشته است. علی‌رغم خط ممتاز این نسب‌نامه، بروز پاره‌ای اغلاط در آن، با توجه به منبع منظوم آن از دیوان شاه ولی یا تذکره عبدالرزاق کرمانی در مناقب شاه نعمت‌الله ولی، به احتمال می‌تواند ناشی از نوشتن آن با اعتماد به حافظه و یا مغلوپ بودن نسخه منقول عنها یا غلط‌خوانی شخص کاتب بوده باشد.

جالب است که سالک‌الدین محمد حموی به علاوه بر نسبت خرقه شاه ولی، به نسب‌نامه وی نیز توجه کرده و ظاهراً آن را به خط خود نگاشته است (حموی یزدی، ۱۳۹۵: ۲۴۳). وی همچنین ابیاتی از شاه ولی در مشیخه مضبوط ساخته است (همان: ۱۰، ۲۴۵، ۲۴۶). او همچنین سلسله‌الخرقه و نسبة‌الارادة شاه ولی را به روایتی متفاوت از آنچه امیر عبدالباقی نگاشته، از طریق امیر ناصرالدین علی الکرمانی<sup>۱</sup>، به انضمام نسب‌نامه و اخبار تاریخ ولادت، وفات و مدفن و مرقد وی در ماهان کرمان ذکر کرده است.<sup>۲</sup> این مسأله علاقه و ارادت سالک‌الدین محمد حموی را به شخصیت عارفانه شاه نعمت‌الله ولی و طریقت او نشان می‌دهد؛ ارادتی که دامنه آن به نوادگان و درویشان نعمت‌اللهی، از جمله شخصیت برجسته امیر عبدالباقی یزدی نیز کشیده شده است و سالک‌الدین را ترغیب ساخته که مشیخه دودمانی خویش را به ابیاتی از اشعار شاه نعمت‌الله از سلسله‌الخرقه وی، در صدر نگاشته خود، مزین سازد (حموی یزدی، ۱۳۹۵: ۲۴۶)؛ ابیاتی که عبدالرزاق کرمانی نیز در رساله تقدیمی خود به امیر عبدالباقی یزدی، موسوم به مناقب حضرت شاه نعمت‌الله ولی، مرقوم ساخته است (کرمانی، ۱۳۶۱: ۴۸-۴۹):

نعمه‌الله را اگر خواهی که مهمانی کنی  
سفره‌ای گرد جهان سرتابه‌سر باید کشید  
ور به‌قدر همتش سازی سرایی مختصر  
چاردیواری به هفت اقلیم در باید کشید

۱. این امیر ناصرالدین علی الکرمانی به احتمال همان امیر ناصرالدین بمی است که از بزرگان طریقت نعمت‌اللهی در اواخر سده نهم هجری بوده است. عبدالرزاق کرمانی در رساله مناقب حضرت شاه نعمت‌الله ولی از او یاد کرده و می‌گوید که وی خلفای شاه ولی را دیده و با آنها بیعت کرده است (کرمانی، ۱۳۶۱: ۱۱۲). تاریخ این دیدار در رساله مزبور سال ۸۱۴ نقل شده که نمی‌تواند درست باشد و ظاهراً سهو کاتب است.

۲. حموی یزدی، ۱۳۹۵: ۲۴۶. صورت منظوم نسبت خرقه مزبور را مستوفی بافقی در جلد سوم جامع مفیدی (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۸-۹)، از درویش محمد مسکین به‌نقل از رساله سوانح الایام فی مشاهدات الاعوام نوشته صنع‌الله نعمت‌اللهی کرمانی، آورده است.

## منابع

- ابوی مهریزی، محمدرضا (۱۳۸۳). سادات نعمت‌اللهی یزدی در عصر صفوی. یزد: ریحانه‌الرسول.
- امینی هروی، صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳). فتوحات شاهی. تصحیح دکتر محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- جهانگشای خاقان (۱۳۶۴). مقدمه و پیوست‌ها از دکتر الله دتا مضطر. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- الحسینی، خورشاه‌بن قباد (۱۳۷۹). تاریخ ایلچی نظام‌شاه. تصحیح دکتر محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه‌دا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- حموی یزدی، سالک‌الدین محمد و دیگران (۱۳۹۵). المشیخه (کنز‌السالکین). تحقیق و مقدمه سید محمد طباطبایی بهبهانی (منصور). تهران: میراث‌مکتوب و دانشگاه تهران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۸۰). حبیب‌السیر. با مقدمه جلال‌الدین همایی، زیر نظر دکتر محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام.
- رازی، امین احمد (۱۳۷۸). تذکره هفت اقلیم. تصحیح سید محمدرضا طاهری (حسرت). تهران: سروش.
- سیفی قزوینی، میریحیی (۱۳۶۳). لب‌التواریخ. تهران: مقدم.
- شیرازی (نویسنده)، عبدی بیگ (۱۳۶۹). تکملة‌الاجبار. تصحیح دکتر عبدالحسین نوائی. تهران: نی.
- صفوی، سام میرزا (بی‌تا). تحفه سامی. تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ. تهران: علمی.
- طهرانی، ابوبکر (۱۳۵۶). دیاربکره. تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومر. تهران: کتابخانه طهوری.
- عالم‌آرای شاه اسماعیل (۱۳۸۱). تصحیح اصغر منتظر صاحب. تهران: علمی و فرهنگی.
- عالم‌آرای صفوی (۱۳۶۳). تصحیح یدالله شکری. تهران: اطلاعات.
- قمی، قاضی احمد (بی‌تا). گلستان هنر. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: کتابخانه منوچهری.
- کرمانی، عبدالرزاق (۱۳۶۱). تذکره در مناقب حضرت شاه نعمت‌الله ولی. تصحیح ژان اوین. تهران: طهوری.
- مستوفی بافقی (۱۳۸۵). جامع مفیدی. جلد سوم. تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- نهایندی، عبدالباقی (۱۹۲۴-۱۹۳۱م). مآثر رحیمی. تصحیح محمد هدایت حسین. کلکته: مطبع بپتس مش.
- ولی، شاه نعمت‌الله (۱۳۷۴). کلیات اشعار شاه نعمت‌الله ولی. به‌سعی دکتر جواد نوربخش. تهران: دکتر جواد نوربخش.